

ستارخان، قهرمان قهرمانان، پرویز داورپناه

کوی و بازار تو میدان سپاه دشمن
شیشه ی اسب و هیاهوی سوارانت کو؟
شفیعی کدکنی (م . سرشک)



انقلاب مشروطیت یکی از درخشان ترین صفحات تاریخ مبارزات ملت ایران است صدمین سالگرد مشروطیت بار دیگر به ما فرصت می دهد که خاطره فداکاریها و قهرمانیهای مبارزان و مجاهدان خود را گرامی بداریم و از آزادی و آزاداندیشی آنان تجلیل بعمل آوریم. تاریخ کهنسال میهن ما مشحون از جنبش و کوشش محروم ترین مردم و چهره های درخشانی از آنان علیه جباران و ستمگران و در رأس این جنبش ها است. کاوه آهنگر ، یعقوب رویگر و نادر پوستین دوز که علیه ظلم و ستم داخلی و خارجی قد برافراشته ، دست به اسلحه برده و مبارزه را تا سرحد پیروزی رسانیده اند ، در تاریخ میهن ما فراوانند. صرف نظر از جنبه داخلی ، مبارزه علیه استعمار نیز از اواسط حکومت خاندان قاجار در دستور کار انقلابیون ایران قرار می گیرد. جنگهای ایران و روس ایرانیان را متوجه استعمار روسیه میکند و پس از جنگهای هرات استعمار انگلیس بعنوان یک خطر جدی ملت ایران را تهدید میکند . کشتن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضا کرمانی ، مردی که از میان مردم برخاسته بود و بخاطر مردم دست به این کار زده بودو با همان لحن مردم کوچه و بازار از آن دفاع کرد و بدون آن که گرفتار حقه بازی و لفاظی سیاسی شود ، مرد و مردانه و مانند همه مردم حقیقت بین کوچه و بازار به مظفرالدین گفته بود " بله بقصد کشتن شاه بابا وارد حرم شدم و قلب شاه بابا را بهمین منظور هدف قرار دادم." نشانه روحیه انقلابی و جهت گرفتن آن در مسیر توسل به آخرین علاج یعنی قیام مسلحانه بر ضد ظلم و جور و زور است.

اما در میان همه فرازهای این فرایند ، جنبش انقلابی ی مشروطه خواهی جانی دیگر و در میان همه چهره های آن سیمای ستارخان جلالتی دیگر دارد . ستارخان سررشته نبرد اصلی و قاطعانه با استبداد محمد علیشاهی یعنی نبرد مسلحانه علیه آنرا به کف گرفت و تا بساط جابرانه او را در هم نیچید ، آرام نگرفت و برجای ننشست. رهبر بی رقیب نهضت انقلابی مشروطیت و نیروهای انقلابی مردم در این زمان از بین پائین ترین اقشار ملت ایران برخاسته ، متجلی به خصائص و صفات ایشان بود. پافشاری ، مردانگی و از خود گذشتگی ستارخان و وفاداریش نسبت به منافع مردم در راه مبارزه علیه سلطه ظلم و استبداد و تجاوز خارجیان و صحت نظرش در انتخاب راه مبارزه مسلحانه در برابر خشونت و جبر استبداد و مقاومتی که از خود در این راه نشان داد به او مقامی شامخ در بین چهره های درخشان تاریخ ایران داده است. این خصائل و صفات به ستارخان اجازه داد که از مرحله ساده ترین مجاهد متناسب با پیشرفت مبارزه و تشدید آن به مرتبه رهبری و پیشوائی مبارزه نائل آید.

ستارخان ، قهرمان درخشان ستاره انقلاب مشروطیت و سردار ملی ایران در بیست و هشتم مهرماه ۱۲۴۵ شمسی در سرزمین سرسبز قره داغ و در یک خانواده روستایی چشم به جهان گشود.

ستارخان پس از کوچ خانواده اش به تبریز در جوانی با نشان دادن دلاوریها در مبارزه با ستم و خودکامگی، نامش بر سر زبانها افتاد. ستارخان چنانچه از تصاویر به جای مانده ، آشکار است ، مردی بلند قامت و قوی هیکل با چشمانی روشن و نافذ بود که سوار بر اسب در کوچه های تبریز رشادت در برابر نیروهای دولتی مقاومت می کرد.

ستارخان با شروع نهضت مشروطه در راس مجاهدان آذربایجان قرار گرفت و چنان درایت و نبوغ نظامی از خود نشان داد که به یک چهره جهانی تبدیل شد و از سوی ملت ایران به سردار ملی ملقب شد.

در روزگاران سخت قیام تبریز و در ایامی که تعداد مجاهدین که در مقابل هزاران سپاه خونخوار استبداد مقاومت می کردند از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کرد، ستارخان با شجاعت و رشادت بی پایان خود ، نهضت را به بهترین وجه رهبری نموده ، آن را از ظلمات دوران سختی گذرانده به سمت پیروزیهای بعدی و عقب راندن نیروهای دولتی از تبریز و فتح تهران رهنمون ساخت. سردار ملی در پیکارهای رهایی بخش مردم آذربایجان ، خدمات گرانبغایی به انقلاب و آزادی کشور کرد . در این زمان در ایران کوچکترین نشانه ای از آزادی نبود

ستارخان با وجود این که از نعمت سواد بی بهره بود ، نسبت به مسائل نهضت آگاهی کامل داشته و با دقت و امعان نظر خاص در مورد آنها تصمیم می گرفت. تصمیماتی که بکرات صحت آنان در برابر تردید ، دو دلی و تزلزل تحصیل کردگان زمان ثابت و مسلم شد.

هنگامیکه تقی زاده های محقق !! (که به راه خیانت به نهضت پیوستند) میدان را خالی گذارده و فرار کرده بودند ، ستارخان مردانه مقاومت کرده ، راه صحیح مقابله با دژخیمان محمد علیشاه را انتخاب نمود و صدای شلیک تفنگهای او و یارانش ، ولوله ی سیاست بازاری را که در صدد تحکیم پایه های استبداد بودند ، محو کرد.

ستارخان همیشه پیشاپیش سربازان خود و در مرکز خطر جنگید و هر گز خیال تسلیم و شکست بخود راه نداد. داستان عمل قهرمانانه اش در سرنگون کردن پرچمهای سفید تسلیم در برابر استبداد بر سر در خانه ها در بعضی محلات تبریز در سخت ترین لحظات مبارزه در ایامی که بیش از سی هزار سرباز و اجیر دولتی ، عده ی قلیل او را در محله امیرخیز محاصره کرده بودند ، سرمشقی از مقاومت و پایداری در لحظات سخت نبرد می باشد. پس از سرنگونی بیرق های سفید بود که شهر یک پارچه از جای جنید و تا سراسر ایران را به جنبش نیاورد ، از پای نشست. در چنین شرایطی بود که ستارخان قلعلم کرد ، ورق را برگرداند و با این شاهکار خود جانی تازه در کالبد مردم دلمرده داد. مردمی که شراره های انقلاب را خاموش شده می پنداشتند تا دیدند هنوز اخگری از خطه ای از کشور برخاست ، به سوی آن رو آورده و دلهای خود را با نور آن روشنی دادند.

ستارخان شجاعت را با فروتنی ، رزمندگی را با جوانمردی ، سپاهیگری را با درایت ، و صداقت را با مردم دوستی توأم داشت. این قهرمان آزادی با این ویژگی های برجسته در یک لحظه حساس و تاریخی به پا خاست که دموکراسی نوپای ایران با کودتای محمد علی شاه از بین رفته و ظلمت استبداد ، سراسر کشور را فرا گرفته بود.

جواب دندان شکن این " اسب فروش بیسواد " به کنسول روس در تبریز که می خواست به هر حيله او را از جنگ بازداشته و وادار به تسلیم کند و باو پیشنهاد کرده بود که پرچم تزار روس را بر بالای خانه خود نصب کند تا از حمله دولتیان در امان باشد ، در روزگاری که وکیل با سواد تبریز ، تقی زاده در سفارت انگلیس پنهان شده بود ، بهترین دلیل بر احساسات عالی میهن پرستانه وی و مقاومت و مبارزه آگاهانه اش در برابر دخالت خارجیان در امور مملکت بود. ستارخان در جواب کنسول روس گفته بود " ژنرال کنسول ، من میخواهم هفت دولت به زیر بیرق ایران بیاید . من زیر بیرق بیگانه نرم."

ستارخان به صحت راه مبارزه مسلحانه برای نبرد با استبداد پی برده بود و در این راه مردانه پایداری کرد. وی با وجود خیانت هایی که سیاست بازان حرفه ای (آنانکه تا قبل از پیروزی مجدد مشروطه ، میدان مبارزه را خالی گذارده و یا به ثناگوئی از محمد علیشاه مشغول بودند) در حق او کردند و با ایجاد تفرقه و نفاق بین مجاهدین او را علیل و خانه نشین کردند ، هر گز بدنبال جاه طلبی و ارضای هوس شخصی نرفت و در خدمت به مردم وفادار ماند و با زبان ساده و عامیانه میگفت " من سگ توده هستم و میخواهم پاسبان این توده باشم."



مقاومت و پایداری مردم تبریز به فرماندهی ستارخان در آن روزهای خطرناک و پیروزی درخشان آنها بر دشمن بی رحم و سرتاپا مسلح نه تنها ملت ایران بلکه جهانیان را به شگفتی واداشت. در این زمان، نام ستارخان، سردار ملی که در آن موقع نماد قهرمانیهای تبریزیان و مبارزات ملت ایران شناخته می شد در صفحه اول جراید دنیا ، چاپ شده از سوی نشریات " بوکاجف" و " گاریبالدی" لقب گرفت.

بر اثر جانبازیهای مجاهدان آذربایجان به سرکردگی ستارخان بود که استبداد صغیر سقوط کرده و فاتحین تهران دست به تشکیل دولت زدند. در واقع تحقیری که بر اثر بمباران مجلس و استیلاک استبداد صغیره کشور تحمیل شده بود با دلاوری و از خود گذشتگی مردم تبریز و در پیشاپیش آنان ، ستارخان شسته شد. فاجعه پارک اتابک که در آن ستارخان به دست دشمنان ملت زخمی شد ، نقطه شومی در تاریخ مشروطه شد و پس از آن حادثه ناگوار که در تاریخ چهاردهم مرداد ۱۲۸۹ یعنی در چهارمین سالروز صدور فرمان مشروطه که نیروهای مسلح دولتی پارک اتابک را محاصره کرده و سردار ملی را از پا زخمی کردند ، مسیر نهضت مردمی و ضد امپریالیستی مشروطه را منحرف کرده و در کانال خواست های استعمارگران و ابادی آنها یعنی همان کهنه درباریان و ضد انقلابیون انداخت. ستارخان بعد از نبرد باغ اتابک زمینگیر شد و معالجات پزشکیان حاذق تهران برای مداوای پای او به جانی نرسید و چهار سال و اندی پس از این رویداد جانگداز در تهران زندگی کرد ، تا اینکه در تاریخ ۲۵ آبان ماه ۱۲۹۳ شمسی برابر ۱۶ نوامبر ۱۹۱۴ میلادی در یک خانه اجاره ای در تهران در حالی که ۴۸ سال بیشتر نداشت ، چشم از جهان نامردمی ها فرو بست.



مزار این گرد دلاور که آزادیخواهی صادق بود ، در باغ طوطی شهر ری می باشد. از پشت بام باغ اتابک / تا کوچه باغهای امیرخیز / یک جاده خون / یک کاروان شهید را / همپای شیکریزی این فوجهای بی سردار / همراه می برد/ تا آستانه " ستار " / " ستار " / بر کوهه دریده زین / - را نشکافته / با آن گوی خونین چه تلخ می خواند. / آواز این قبیله چه زیباست. / ... / باد از هراس شب / در زیر چتر خونی باران / پر می کشد به کوه / تا خفیه گاه ایمن خورشید / و از ستیغ سربی البرز/ این صبح سربلند/ - که می روید / آواز تازه عاشق هاست / آواز این

قبیله چه زیباست. (ایرج جنتی عطایی)
ستارخان صد سال پیش راه صحیح مبارزه مسلحانه در برابر استبداد محمد علیشاهی را به مبارزان و مجاهدان انقلاب
مشروطه نشان داد ، راهی که هر زمان ، اگر همه راههای مسالمت آمیز و دموکراتیک مردم در برابر مستبدین مسدود
گردد ، هنوز هم برای سرنگونی دیکتاتورها معتبر است.
در آئین برگزاری صدمین سالگرد انقلاب مشروطیت در تجلیل و بزرگداشت همه مبارزان و مجاهدان و سردار ملی ،
ستارخان ، این قهرمان قهرمانان مشروطیت بکوشیم.

دکتر پرویز داورپناه